

چالش‌های فراروی ایران و ترکیه در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی

محمدحسین اسماعیلی سنگری*

چکیده

توافق و امضای پرونده برجام و هم‌چنین پرونده سوریه دو موضوع محوری در تحولات سیاسی جدید در منطقه خاورمیانه است. فرایند برجام بین ایران و غرب و آغاز تعامل ایران، در جایگاه یک قدرت منطقه‌ای، با قدرت‌های بزرگ جهان پایه اساسی نگرانی‌های ترکیه و عربستان شده است. در این زمینه، موضع‌گیری روسیه و ایران در اتخاذ مواضع سرسختانه در قبال سوریه نشان داد که نتیجه بازی را به هیچ‌وجه به دیگران واگذار نمی‌کنند و هم‌چنان بر سر حمایت از سوریه ایستاده‌اند. یکی از پی‌آمدهای سیاسی این دو موضوع محوری، لااقل به شکل واکنشی آن، کم‌اهمیت‌شدن جایگاه ترکیه و عربستان در ژئوپلیتیک خاورمیانه است. از این رو نخبگان سیاست خارجی دو کشور ترکیه و عربستان به این باور سیاسی رسیده‌اند که به سمت ائتلاف سیاسی و اقتصادی گام بردارند و سطح روابط را در حد بی‌سابقه‌ای ارتقا بخشند. ترکیه، که تا قبل از این به ایران بسیار نزدیک بود، مانند ایران توانایی بالقوه و بالفعل در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی را دارد. سؤال اساسی مقاله این است که چالش‌های اساسی ایران - ترکیه در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی چیست؟ این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی به این یافته رسیده است که در وضعیت سیاسی پس‌برجام، چالش‌های منطقه‌ای عمدتاً به ائتلاف شکلی ترکیه - عربستان و چالش‌های بین‌المللی و فرامنطقه‌ای به موضوع عضویت در ناتو، هم‌پیمانی با غرب و اسرائیل، به اقبال یا ادبار به سیاست خارجی روسیه فدرال، پرونده

* استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، sangariam@guilan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۵

سوریه، و نیز به موضوع رقابت در قفقاز و آسیای مرکزی، به‌ویژه بحران قره‌باغ، انجامیده است. تأکید بر نقش کمالیسم و اوزالیسم در ترکیه، فعالیت طریقت‌های ترک، پوشش‌های حزبی حزب عدالت و توسعه، بحران اجتماعی پساکودتا در ترکیه، و مسئله کردها و اسلام سیاسی از دیگر نکات اساسی و مرتبط با مباحث این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، ترکیه، ایران، عربستان، اسلام سیاسی، چالش.

۱. مقدمه

ایران و ترکیه در جایگاه کشورهای هم‌جوار با پیوندهای تاریخی و راه‌بردی و قرارگرفتن در حوزه‌های مهمی چون آسیای مرکزی، قفقاز، و خاورمیانه یعنی حلقه اتصال شرق و غرب از دیرباز تاکنون، برحسب منافع و علایق، روابطی از شدت و ضعف را تجربه کرده‌اند، اما همواره برای مردم خویش و برای مسلمانان دنیا جلوه‌های به‌روز از تمدن و فرهنگ را تولید و در حوزه فرهنگ آن را عرضه کرده‌اند؛ البته ثبات مرزی و تشابه رویدادهای بعد از جنگ جهانی دوم، هم‌چنین عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای و همکاری با اردوگاه غرب، زمینه‌های روند تقریباً هم‌سانی را در بخشی از تاریخ برای هر دو رقم زد؛ و نخبگان سیاسی و اجتماعی هر دو کشور اندوخته‌های بین‌تمدنی را در ارتباط با جهان خارج اندوخته و ذخیره کرده‌اند.

با این حال توان‌مندی‌های مضاعف اقتصادی و نظامی ایران در مقایسه با این کشور تا پیش از انقلاب سبب افزایش ضریب نفوذ آن در منطقه و یکه‌تازی ایران در خاورمیانه و مناطق دیگر شد. رقابت همیشگی ایران و ترکیه طیفی از راه‌بردهای سیاسی، از دوستی تا خصومت‌های خفیف، را در روابط آنان منعکس کرده است. رقابت و همکاری چاشنی روابط بین قدرت‌های منطقه‌ای بوده و هست. انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی معادلات قدرت و محاسبات رقابت در منطقه را بر هم زد و باعث تغییر در مناسبات دو کشور براساس پیش‌فرض‌های گفتمان دینی و اسلام سیاسی شد. در این زمان جلوه‌های جذاب‌تر و نوینی از ایران در کشورهای پیرامونی و همه کشورهای اسلامی ساطع می‌شد که جاذبه‌ای خیره‌کننده و کنشی داشت.

روابط ترکیه با ایران از انقلاب ۱۳۵۷ به بعد فراز و نشیب بسیار داشته است. هرچند برخی محافل میان‌سکولارترین دولت‌های دنیای اسلام، یعنی ترکیه و ایران، و مدعی

ام‌القرای اسلامی نوعی ناسازگاری و تقابل ذاتی مشاهده می‌کردند، ولی دو کشور مسلمان و همسایه نقاط مشترک زیادی در عرصه تمدن نو و فرهنگ جدید داشته‌اند و دارند. تا حدی که با تخفیف و مدیریت چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قادر خواهند بود اساسی‌ترین و محوری‌ترین پایه‌های تمدن نوین اسلامی را بازتولید و پی‌ریزی کنند. این حقیقت در تاریخ نه‌چندان دور هر دو کشور سابقه انکارناپذیری دارد. با این حال امروزه عضویت ترکیه در ناتو و روابط نظامی‌اش با ایالات متحده و روابط نوظهورش با اسرائیل و مواضعش در برابر سوریه، بیش از هر جای دیگری از سوی تهران مورد انتقاد قرار گرفته است. از آن مهم‌تر نزدیکی و ارتقای سطح روابط ترکیه با عربستان است. ترکیه بیش‌تر به دنبال استفاده اقتصادی از عربستان است، زیرا تحت فشار بین‌المللی قرار دارد و درصدد است سطح مناسبات خود با روسیه را کاهش دهد، اما دلیل عمده عربستان در این زمینه استفاده از نقش و جایگاه ترکیه برای جلوگیری از انزوا در سطح منطقه و سطح بین‌المللی است. نخبگان سیاسی عربستان دریافته‌اند که در وضعیت‌های سخت هیچ‌کدام از حامیانش توان حمایت از او را نخواهند داشت. از آن مهم‌تر برای عربستان دور کردن ترکیه از ایران است. موضوعی که برای عربستان در حکم برهم‌زدن زمینه‌ها و توان‌مندی‌هایی است که دو کشور ایران - ترکیه در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی دارند. ایران - ترکیه این ظرفیت و قابلیت بالا را دارند که با مدیریت سیاسی چالش‌های فراروی خود به پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی مبادرت ورزند. این مهم با شناخت چالش‌ها و موانع فراروی دو کشور قابل طرح و پی‌گیری است. در این مقاله، پس از ذکر کلیات پژوهش، به بحث جریان‌های سیاسی و گفتمان‌های اسلام‌گرا و تمدن‌ساز در ایران و ترکیه می‌پردازیم تا نشان دهیم تلون و تکثر قرائت‌های جذاب از اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی این توان‌مندی بالقوه را در دو کشور برای مسلمین و به‌ویژه نخبگان دنیای اسلام دارد. این دو کشور، در عین تعاطی و گفت‌وگوی سازنده بین‌تمدنی، توانایی پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی را برای دیگر ملل مسلمان دارند. موضوع اساسی‌تر چالش‌ها و موانع فراروی ایران - ترکیه در این فرایند است. امروزه اساسی‌ترین چالش منطقه‌ای سیاست‌شکننده عربستان در اتخاذ ائتلاف با ترکیه تلقی می‌شود. در عین حال از دیگر چالش‌های منطقه‌ای مرتبط یعنی: بحران تحریم قطر، موضوع اقلیت کردها، موضوع ایران و اهل طریقت ترکیه، و چالش‌های فرهنگی و اعتقادی نباید غافل بود. این درحالی است که اساسی‌ترین چالش فرامنطقه‌ای و بین‌المللی در موضوعات مهم ذیل جای دارند: عضویت در ناتو و هم‌پیمانی با غرب و با اسرائیل و نیز اقبال یا ادبار به سیاست خارجی روسیه فدرال و هم‌چنین موضوع رقابت در قفقاز و آسیای مرکزی و بحران قره‌باغ

و بازتاب پیروزی اردوغان در انتخابات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ این نوشتار با عنایت به موارد فوق به سطح تحلیل چالش‌های فراروی ایران - ترکیه در پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی پرداخته است.

۲. کلیات پژوهش

۱.۲ ادبیات پژوهش

درباره جلوه‌های تمدن‌ساز ایران به شکل مستقل کتاب‌ها و مقالات و همایش‌های بسیاری منتشر شده است. همان‌طور که درباره تمدن ترکیه و جلوه‌های تمدن‌ساز آن نوشته‌های مستقلی در دسترس است، اما درباره جلوه‌های مشترک و سهم متقارن و مشترک ایران - ترکیه و توان‌مندی دو کشور در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی کم‌تر نوشته‌ای منتشر شده است. شاید دلیل آن، صرف‌نظر از موانع حاسدان، به بداعت و نوین‌بودن این تفکر و اندیشه بازگردد.

کتاب *پویش اسلام‌گرایی در ترکیه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران* نوشته صفت‌الله قاسمی (۱۳۸۶) در این زمینه است. وی در این کتاب نفوذ اسلام سیاسی در ترکیه و اقدامات اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه را بررسی می‌کند. همچنین می‌توان از کتاب *جریان‌ات اسلامی در ترکیه* نوشته سیاری صبری (۱۳۷۶) نام برد. وی در آن، ضمن اشاره به اثرپذیری شدید ترکیه از انقلاب ایران، روی کارآمدن حزب سلامت و نجم‌الدین اربکان را ناشی از همین اثرپذیری می‌داند. محمدرضا زارع (۱۳۸۳) نیز در کتاب *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه* از اثرپذیری بسیار زیاد ترکیه از انقلاب ایران سخن رانده است و رشد اسلام سیاسی در ترکیه را نتیجه این اثرپذیری می‌داند. در این آثار اگرچه درباره موضوع اثرپذیری ترکیه از انقلاب اسلامی ایران بحث شده است، اما در همه آن‌ها نوعی اثبات یا نفی کلی اثرپذیری و یا به تعبیردیگر، نگرشی یک‌سویه به این امر وجود داشته و تغییر مواضع دولت، احزاب، و مردم طی زمان و همراه با کنش سیاسی ایران در منطقه کم‌تر بررسی شده است. تساهل در اثرپذیری و تفکیک ادوار نفوذ و بازخورد آن، همراه با واکنش این کشور در مقابل آن، موضوعی است که خود مهم تلقی می‌شود و درخور پژوهش و آکاوی علمی است.

همچنین در مجله دیدگاه سیداسدالله اطهری درباره اصلاحات ترکیه و خواسته‌های اتحادیه اروپا بحث می‌کند و حزب عدالت و توسعه را در سیاست‌های ترکیه به‌مثابه اهرم

گفت‌وگوهای اصلی با اتحادیه و کاهش نقش نیروهای نظامی در سیاست تلقی می‌کند. وی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «ارتش و اسلام‌گرایان ترکیه: دو نیروی اجتماعی در یک نظام»، در مجله *خاورمیانه*، به تلطیف مقوله دخالت ارتش و نیروهای نظامی در سیاست ترکیه مبادرت می‌ورزد. هم‌چنین بولنت ارس - عمرکاها در مقاله خود با عنوان «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌اله گولن» به یکی از جالب‌ترین نمونه‌های تفکر اسلام‌گرایی لیبرال در خاورمیانه می‌پردازد. وی نشان می‌دهد که این جنبش سیاسی - مذهبی به طرف‌داری از مدرنیسم، ناسیونالیسم ترکی، تساهل، و دموکراسی بدون قربانی کردن احکام مذهبی چگونه برپا شده است و چه خواستگاه‌هایی دارد. به‌گونه‌ای که بسیاری از نخبگان سکولار ترکیه جنبش گولن را تحولی مترقی ارزیابی می‌کنند. جالب آن‌که درست همین نگاه درباره اسلام سیاسی لیبرال در ایران وجود داشته است.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، باید اذعان داشت که نخبگان سیاسی و باهوش ترکیه به‌فراست از توان‌مندی‌های ویژه ایران غافل نیستند: تجربه جنگ هشت‌ساله، توان بالای نظامی، نفوذ بلامنزاع جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، موشک‌های دوربرد: از نسل جدید تا اس. ۳۰۰، نقش آفرینی ویژه در سوریه و لبنان و عراق و یمن، تقابل مؤثر و تعیین‌کننده با داعش، اصابت دقیق شش موشک دوربرد ایران، تعامل نزدیک با روسیه و ارمنستان و عمان و یمن، و البته بی‌علاقگی و ناخرسندی ایران در نزدیکی آنکارا از ریاض. اما دلیل اساسی این مورد اخیر چیست؟ به‌نظر می‌آید پاسخ ابتدایی آن به اختلافات اخیر ایران با عربستان برمی‌گردد و جواب این معما همان باشد. اگر به دید دولت - ملت به همه امور سیاسی بنگریم این جواب قسمت زیادی از سطح تحلیل را پوشش دهد.

اما فرضیه اساسی این مقاله موضوعی فراتر را بیان می‌دارد. چه آن‌که از دیدگاه روشن‌فکران و اندیشمندان ایران و ترکیه آن‌چه در این ره‌آورد دیده نمی‌شود ایفای نقش اجتماعی و تاریخی - فرهنگی دو کشور ایران - ترکیه است. این دو کشور به‌علت ثروت عظیم فرهنگی این توان‌مندی را دارند که به صحرای تشنه ملل مسلمان جلوه‌های نوین و تازه‌ای از تمدن اسلامی را عرضه کند. پویش تمدن‌ساز نوین در گفت‌وگوی بین‌فرهنگی ایران - ترکیه توان‌مندی این مهم را دارد که هم‌الگوی تازه در بین دو ملت را نوسازی کند و هم‌الگوی نوینی برای جهان اسلام احیا کند. این اقدام تاریخی و فرهنگی به دو اصل نیازمند است: اراده نخبگان اجتماعی و سیاسی دو کشور و مدیریت و رفع چالش‌های فراروی ایران و ترکیه در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی. این نوشتار در جواب فرضیه خود اساسی‌ترین چالش‌های منطقه‌ای فراروی ایران - ترکیه را احتمال ائتلاف استراتژیک و

درواقع تاکتیکی عربستان - ترکیه دانسته و اساسی‌ترین چالش بین‌المللی و فرامنطقه‌ای را میزان و سطح هم‌پیمانی با غرب و عضویت در ناتو و نیز اقبال و ادبار به سیاست خارجی روسیه فدرال بیان و تحلیل کرده است. دریغاً، اگر این فرصت تاریخی از دست نخبگان سیاسی و اجتماعی دو کشور غنی فرهنگی و تمدن‌ساز به انگیزه نیل به حداکثر استفاده اقتصادی و مالی هدر رود و دلار از فرهنگ و تمدن سبقت گیرد.

شیوه نگارش این مقاله توصیفی - تحلیلی، مبنی بر روش کتاب‌خانه‌ای، با استفاده از ابزارهای اسنادی و فیش‌برداری از کتب و مقالات و جست‌وجوی اینترنتی در چهارچوب نظریه نخبه‌گرایی و گردش نخبگان در سپهر سیاست است.

۲.۲ چهارچوب نظری: سپهر سیاست و تئوری گردش نخبگان و تمدن‌ها

بسیاری از صاحب‌نظران اندیشه سیاسی برآمدن طبقه حاکمه جامعه را از منظرهای گوناگون تحلیل کرده و الگوهای متعددی را برای دستیابی و تداوم حکومت و نیز محدودکردن نقش طبقات فرودست و استفاده ابزاری از آن به‌منظور حفظ و نگاه‌داشت سلطه خود ابراز کرده‌اند. ویلفردو پاره‌تو، با توجه به موقعیت‌های زمانی و مکانی (۱۸۴۸-۱۹۲۳) و محیط رشدیافته در آن، نظریه نخبه‌گرایی و گردش نخبگان در هیئت حاکمه را مطرح و نمونه‌های آن را در مشرق‌زمین و غرب ارزیابی و بررسی کرد و عوامل چندی را در بازستانی قدرت سیاسی به‌دست نخبگان جامعه و میزان نقش و نفوذ آنان در توده‌ها برشمرد (موسکا و بوتو، ۱۳۶۳: ۴۵۵).

نظریه گردش نخبگان گویای آن است که پاره‌تو باور چندانی به پیشرفت و تکامل واقعی ندارد، بلکه از دید او در جامعه بشری روال و وضعیت تغییری نخواهد کرد و چرخه فرمان‌روایی روبهان و شیران همواره برقرار خواهد بود. جامعه پیوسته دست‌خوش نوسان خواهد بود، ولی همواره به توازن خواهد رسید. در تاریخ هیچ رویداد تازه‌ای رخ نمی‌دهد و تاریخ چیزی جز سرگذشت بی‌خردی بشر نیست (کوزر، ۱۳۶۸: ۵۲۵). آرمان‌شهر در هیچ کجا پدیدار نشده است. از این رو مهم‌ترین نمود، از دید تاریخی، زندگی و مرگ اشرافیت‌هاست (عابدی اردکانی، ۱۳۸۸: ۸).

به‌نظر پاره‌تو سیاست تابع قانون آهنین چرخش نخبگان است و بنابراین، ضعف و ناتوانی نخبگان حاکم موجب به‌قدرت‌رسیدن گروه‌های نخبه تازه‌نفس می‌شود. از این رو تاریخ گورستان اشرافیت‌هاست. سرشت سیاست به‌نظر پاره‌تو زور و اجبار است و بنابراین آنچه هواداران دموکراسی در حکم رضایت و اقناع و ترغیب مردم توصیف می‌کنند فریبی

بیش نیست؛ بدین ترتیب دموکراسی به مفهوم ایده‌آل آن با واقعیت زندگی سیاسی نسبتی ندارد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۴۴۵).

۳.۲ سرآغاز نقش‌آفرینی در تاریخ معاصر

مناسبات ایران و ترکیه تاریخی طولانی و پیچیده دارد. شالوده روابط دو کشور در دوران نو به‌دست رضاشاه پهلوی طی دیدارش از ترکیه در سال ۱۹۳۴ ریخته شد. در آن زمان رهبران دو کشور سرگرم مبارزه با سنت‌های تاریخی دست‌وپاگیرشان و تلاش برای استقرار نهادهای نو با هدف دست‌یابی به تمدن غرب بودند (مهدوی، ۱۳۶۴: ۳۹۴-۳۹۵). دو کشور، با غلبه بر پیشینه‌ای از جنگ و برخورد، درحالی‌پا به قرن بیستم میلادی می‌گذاشتند که فصلی تازه از همکاری را با یک‌دیگر آغاز می‌کردند.

در هنگام دیدار رضاشاه از ترکیه دو دولت همسایه اهداف مشترک چندی داشتند. هر دو برای جداکردن دولت از سنت و دین تلاش می‌کردند. هر دو با تهدید خارجی و داخلی گسترش نفوذ کمونیست‌ها روبه‌رو بودند. از دید آن‌ها کمونیسم هم مانند سنت می‌توانست از هم‌گسیختگی روند نوسازی را موجب شود و به روابط نوپای دو کشور با غرب لطمه وارد کند. این‌گونه دل‌مشغولی‌های مشابه زمینه‌ساز امضای چندین موافقت‌نامه شد به‌گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۳۷ مجموعه‌ای از موافقت‌نامه‌های گمرکی، مرزی، بازرگانی، و امنیتی میان دو کشور به‌امضا رسید (همان: ۳۹۹).

اما تاریخچه مناسبات ایران و ترکیه در قرن بیستم نشان می‌دهد که این روابط گه‌گاه با دشواری‌هایی نیز همراه بوده است (پهلوان و طیب، ۱۳۷۷: ۳-۴). طی سلطنت محمدرضاشاه پهلوی از ۱۹۴۱-۱۹۷۹ نیز روابط ایران و ترکیه دست‌خوش تنش‌های بنیادی بود. برای نمونه، دو کشور بر سر مقرراتی که کشور ترکیه برای عبور کامیون‌های ایرانی از جاده‌های آن کشور وضع کرده بود با هم اختلاف‌نظر داشتند. در یک نوبت دولت ایران در پاسخ به اظهارات سفیر ترکیه سفیر خود را موقتاً از آنکارا فراخواند. سفیر ترکیه در بازگشت از تعطیلات خود به تهران در یک سخن‌رانی گفته بود در سفر از مرز ترکیه تا تهران احساس می‌کرده است که در کشور خود رانندگی می‌کند و شاه از این سخن خشمگین شده بود (ریاحی، ۱۳۶۹).

روابط ایران و ترکیه در دوران پهلوی اول و دوم، با وجود همکاری‌های گسترده با غرب و عضویت در پیمان‌هایی نظیر ستو و آر. سی. دی، در سطح پایینی قرار داشت و

بیش‌تر حول مسائل اقتصادی و اجتماعی مانند تبادل دانشجوی و دانشگاهیان و ورزش‌کاران و بیش‌تر در قالب فعالیت‌های فرهنگی و کم‌تر امنیتی تعریف می‌شد. در عین حال دو کشور گه‌گاه، به‌علت تسلط بر منطقه و ایفای نقشی بارز در خاورمیانه، فراتر از یک رقیب و همسایه با یک‌دیگر برخورد داشته‌اند، با این وصف، به‌علت ثبات مرزی و نداشتن اختلافات ارضی و نیز نبود پای‌بندی افراطی در دیدگاهی مذهبی دلیلی برای تنش و اختلاف جدی میان خود نمی‌دیدند.

به‌طور کلی از نظر تهران تبلیغات آنکارا به نفع ملت‌گرایی ترک راهی برای ایستادگی ترکیه در برابر تهدید شوروی بود. رژیم پهلوی از ملت‌گرایی ایرانی استفاده تدافعی می‌کرد و هدفش حفظ یک‌پارچگی کشور بود، حال آن‌که ایدئولوژی ملت‌گرایی ترک توسعه‌طلبانه به‌شمار می‌آمد. هرچند تهران با اعتقاد به این‌که در مواقع بحرانی نمی‌توان روی ترکیه حساب کرد (به‌ویژه از زمان اثبات ناکارایی پیمان سعدآباد در جنگ جهانی دوم) گه‌گاه دچار نگرانی می‌شد، ولی دو کشور پیوسته برای کاستن از تنش‌ها از طریق گفت‌وگو تلاش می‌کردند. روی هم‌رفته موضع مشترک دو کشور در برابر اتحاد شوروی و کمونیسم آن‌ها را به‌صورت هم‌پیمانان پرارزش غرب درمی‌آورد و مشوق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز آن دو بود (پهلوان و طیب، ۱۳۷۷: ۵).

۳. جریان‌های سیاسی و گفتمان‌های اسلام‌گرا و تمدن‌ساز در ترکیه و ایران

مؤلفه‌های گفتمان اسلام‌گرا در ترکیه، یا جنبش‌های اسلامی در عصر حاضر، البته در کشورهای غربی، عمدتاً به‌صورت جنبش‌های سیاسی خشونت‌طلب، ضد‌مدرن، و ضددموکراتیک معرفی می‌شوند. به‌نظر عده‌ای از غربی‌ها، اسلام دینی متضاد با اندیشه‌های عقل‌گرایانه و به‌طور کلی مدرنیته غربی است (Cinar and Kadioglu, 2002). شاید اولین ویژگی خاص جنبش‌های اسلام‌گرایی در ترکیه از بین‌رفتن هژمونی اسلام در آن کشور به‌دست بوروکراسی عثمانی باشد (Mardin, 2005)

ویژگی دوم این‌که شاید تا سال‌های اخیر اسلام‌گرایی ترکیه پدیده‌ای محلی و ملی‌گرایانه بوده که تماس کمی با دیگر جنبش‌های اسلام‌گرای منطقه داشته است. اسلام‌گرایی در ترکیه عمدتاً تحت نفوذ فراگیر ناسیونالیسم ترکی ارتباط کمی با جهان عرب داشته است (Zubaida, 2004). ویژگی دیگری که نشان‌دهنده برداشت اسلام‌گرایان ترکیه از سکولاریسم و دموکراسی است با طبیعت دولت‌محور سنت و فرهنگ سیاسی ترکیه ارتباط

دارد (Sunar and Toprak, 1983). در ترکیه اسلام به لحاظ قانونی هیچ ارتباطی با فعالیت‌های سیاسی ندارد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۴) و سرانجام این‌که اسلام‌گرایان ترکیه به علت وضعیت رقابتی در انتخابات و پیروزی‌های ممتد احزاب سیاسی راست‌گرا (حزب عدالت در ۱۹۷۰ و حزب مام میهن در ۱۹۸۰) همواره مجبور شده‌اند نیازهای اسلامی خود را تعدیل کنند (Gole, 1995: 43).

بنابراین اسلام در ترکیه، در کنار دیگر عوامل، به پویایی خود، در قالب عنصری فرهنگی و نه سیاسی و یک گفتمان و نه رویکرد، ادامه و خود را با مدرنیته کمالیستی انطباق داد.

۱.۳ هژمونی کمالیسم

ساختار سیاسی و ایدئولوژیک کنونی جمهوری ترکیه در دوره مصطفی کمال آتاتورک (۱۹۲۳-۱۹۳۸) شکل گرفت. مصطفی کمال پس از جنگ جهانی اول و تجزیه امپراتوری عثمانی در باقی‌مانده آن، که شامل مناطق ترک‌نشین می‌شد، جمهوری ترکیه را تأسیس کرد. همه آرمان‌های مصطفی کمال برای ترکیه نوین در شش اصل جمهوری‌خواهی، ناسیونالیسم، توده‌گرایی، انقلاب‌گرایی، دین‌ناوابستگی، و دولت‌گرایی خلاصه می‌شوند. چهار اصل نخست مبانی ایدئولوژیک ساخت سیاسی جدید را منعکس می‌کردند و دو اصل آخر سیاست‌هایی را بیان می‌کردند که می‌بایست چهارچوب فلسفی اصلاحات لازم را فراهم می‌آورد (شاو و کورل شاو، ۱۳۷۰: ۶۶۲).

اصل مهم دیگر از اصول شش‌گانه آتاتورک لائیسزم یا به عبارت دیگر دین‌زدایی از جامعه بود. این اصل را جدایی دین از سیاست نیز تعبیر کردند (همان: ۶۳۸؛ حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰: ۷۶-۸۲).

ارتش ترکیه، که به صورت محافظ کمالیسم عمل می‌کند، کارگزار اصلی نهادینه‌سازی کمالیسم به‌مثابه ایدئولوژی به‌شمار می‌رود، اما این نهادینه‌سازی کمالیسم به ارتش اجازه می‌دهد به نوعی استقلال سیاسی دست یابد و در جایگاه نهادی سیاسی تلقی شود که قادر است در سیاست‌های مدنی دخالت کند (Cizre-Sacallioğlu, 1997).

۲.۳ اوزالیسم و گفتمان اسلام‌گرایی

هنگامی که دولت اوزال حکومت را در دست گرفت، دغدغه‌های اولیه ناشی از صدور انقلاب به ترکیه، بر اثر حکومت نظامیان، از بین رفته بود و علاوه بر این تجربه اوزال در

دولت نظامی این امکان را به او می‌داد که برای جلوگیری از دخالت نظامیان حساسیت‌های آن‌ها را به انقلاب مدنظر قرار دهد. بدین علت موضع‌گیری اوزال در برابر انقلاب موضع‌گیری‌ای دوجانبه بود؛ از یک‌طرف، در بعد خارجی، با تکرار این مطلب که بنیادگرایی خطری جدی نیست و حتی ایران نیز در پی صدور آن نیست، درصدد بود از شدت صدور انقلاب بکاهد و قدرت آن را بزرگ جلوه ندهد و از طرف دیگر، در بعد داخلی، با آگاهی از گرایش روشن‌فکران جدید و کردها به انقلاب ایران، کوشید با دادن آزادی‌های کنترل‌شده به آن‌ها از اوج‌گیری بنیادگرایی جلوگیری کند (قهرمان‌پور، ۱۳۷۹: ۱۳).

۳.۳ جنبش‌های اسلام‌گرای ترکیه

۱.۳.۳ سازمان آیدین اوجاکلاری

نویسنده مشهوری به نام ابراهیم کافس اوغلو یکی از جنبش‌های سیاسی اسلامی را، که در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تحت تأثیر متغیرهای درونی و محیطی در جمهوری ترکیه به‌وجود آمد و خواهان ترکیب ایدئولوژی و تمدن اسلام با فرهنگ ترکیه بود، به‌طور نظام‌مندی شکل و گسترش داد. او پذیرفته بود که اسلام جایگاهی بسیار برجسته میان ترک‌ها دارد، زیرا اسلام با فرهنگ ترک‌ها در آسیای میانه اشتراکات بسیاری داشت. این ایدئولوژی را برای اولین بار سازمانی به نام «آیدین اوجاکلاری» به‌کار گرفت. این سازمان در سال ۱۹۷۰ به رهبری شماری از سیاست‌مداران، تجار، و دانشگاهیان برپا شده بود و قصد داشت اندیشه‌های همه روشن‌فکران چپ را به‌چالش بکشد (Yavuz, 2003: 73).

۲.۳.۳ جنبش نگرش ملی (سلامت ملی)

مهم‌ترین جنبش اسلام‌گرایی که تحت تأثیر این فضای باز سیاسی شکل گرفت جنبش نگرش سلامت ملی بود که نجم‌الدین اربکان، با حمایت قابل‌توجه برخی طریقت‌ها، آن را پایه‌ریزی کرد. علت پیدایش جنبش پیشرفت مدرنیزاسیون در بستر جامعه ترکیه بود. هیئت مؤسسان آن عمدتاً از افراد محافظه‌کار تشکیل شده است، از این رو، این جنبش عمدتاً به کاربرد زبان اسلامی در مسائل اقتصاد سیاسی و اشاره به اخلاقیات اسلامی به‌مثابه نوش‌دارویی برای مشکلات اجتماعی می‌پردازد (Scheltema, 2004: 108). خواستگاه جنبش نگرش ملی پایه تمدن نوین اسلامی را تقویت می‌کند و بر اعتلای آن می‌افزاید.

۳.۳.۳ حزب رفاه

یکی از احزاب سیاسی که از دل جنبش سلامت ملی پدید آمد حزب رفاه بود که بین سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۹۶ تشکیل شد؛ البته این حزب، چون قصد داشت پایگاه اجتماعی خود را به فراسوی توده اسلامی بسط دهد، تصمیم گرفت از ایدئولوژی سکولاریسم (با تفسیری متفاوت از کمالیست‌ها) حمایت کند (Saribay, 1994: 201-106). می‌توان استدلال کرد این اسلام‌گرایان تحت تأثیر روشن‌فکران برجسته غربی از برخی نظریات پسااستعماری، کمونتریانیستی، و پسامدرن در نقد کمالیسم، پوزیتیویسم، و مدرنیته استفاده می‌کردند (Cinar and Kadioglu, 1999). در پانزدهم و شانزدهم ماه مارس ۱۹۹۶ شهرداری استانبول و حزب رفاه اولین کنفرانس بین‌المللی اندیشه‌های اسلامی را برگزار کردند که سخنران آغازین آن نجم‌الدین اربکان بود (ماه‌نامه کیان، ۱۳۷۵: ۴۴). دیدگاه‌های متعارض نخبگان حزب رفاه می‌تواند گفتمان بین‌تمدنی جهان اسلام، به‌ویژه بین نخبگان ایران-ترک، را موجب شود و این گفت‌وگو نحوه مدرنیته بومی را معنادار کند.

۴.۳.۳ حزب عدالت و توسعه

حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، در پایان برگزاری انتخابات مجلسی زودهنگام ۲۰۰۲، پیروزی خیره‌کننده‌ای به‌دست آورد و برای نخستین‌بار در دهه‌های اخیر در مجلس ترکیه یک حزب توانست با اختصاص ۳۶۰ کرسی از مجموع ۵۵۰ کرسی مجلسی و بدون ائتلاف با دیگر احزاب کابینه تشکیل دهد.

۵.۳.۳ گفتمان‌های اسلامی غیرحزبی

در مرکز ثقل تأثیرات بنیادگرایی اسلامی آثار علی شریعتی قرار داشت. مهم‌ترین علت نفوذ افکار وی همانا ارائه قرائتی از اسلام درباره فراگفتمان و مدرنیته بود. اکثر مخاطبان وی را جوانان تحصیل‌کرده و نیز روشن‌فکران شهرنشین‌شده‌ای که آموزش غربی دیده بودند تشکیل می‌دادند و از آن‌جا که ترکیه هم در برخورد با مدرنیته وضعیتی شبیه ایران داشت، افکار شریعتی توانست گروه‌های مزبور را جذب خود کند (قهرمان‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱). به‌گفته ترنر، بیش‌ترین جاذبه رهبران فکری و ایدئولوژیکی، از جمله علی شریعتی، آن بود که او توانست موضوعات اسلام سنتی را با نقادی‌های فرهنگی و سیاسی مدرنی که از مارکسیسم و فلسفه فرانسه گرفته بود درهم آمیزد. تحت تأثیر نویسندگانی چون شریعتی بود که اسلام به آمیزه‌ای مدرن از رادیکالیسم و مخالفت با غربی‌شدن تبدیل شد (Turner, 1994: 88-89).

۴.۳ اسلام سیاسی و گفتمان‌های اسلام‌گرا و تمدن‌ساز در ایران

ایرانیان نزدیک به چهارده قرن با اسلام به سر برده‌اند و این دین در متن زندگی ایشان وارد و جزء زندگی آن‌ها شده است. اسلام‌گرایی ایرانیان، چه در شکل تشیع و چه در شکل تسنن آن، قبل از هر چیز ریشه در ویژگی‌های متعالی روح ایرانی و فرهنگ موحدانه و حقیقت‌خواهانه و عدالت‌جویانه آن‌ها دارد و محتوای نجات‌بخش تعالیم اسلامی و سیره و روش و منش پیشوایان و بزرگان آن دین است که روح توحیدی و عدالت‌خواه را سیراب می‌کند و آرزوهای آن‌ها را نمود حقیقی و خارجی می‌بخشد (محمدحسین‌زاده و محسنی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

اهمیت اسلام سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران بیش‌تر نمایان شد؛ این درحالی بود که جهان اسلام ایدئولوژی‌های معاصر هم‌چون ملی‌گرایی، لیبرالیسم غرب، و سوسیالیسم نظامی و یا مارکسیسم سنتی را تجربه کرده بود، اما این بار انقلاب اسلامی ایران «اسلام انقلابی» را عرضه کرد؛ یعنی چیزی که مسلمانان را داد تا در پرتو آن آزادی خویش را به‌دست آورند و در مقابل استعمار، صهیونیسم، سرمایه‌داری، و نژادپرستی ایستادگی کنند (حنفی، ۱۳۷۶: ۲۱).

انقلاب اسلامی، در جایگاه یکی از مهم‌ترین جریانات و جنبش‌های اسلامی در دوران معاصر، حاصل و برآیند اندیشه‌های امام خمینی است.

۱.۴.۳ انواع اسلام سیاسی در ایران

هرچند اسلام سیاسی در ایران معاصر رنگ و بوی لیبرالی و مارکسیستی هم به‌خود گرفت، اما این قرائت اسلام فقهاتی به رهبری امام خمینی بود که توانست در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش به آرمان تشکیل حکومت اسلامی دست یابد و دموکراسی دینی را به‌صورتی الهام‌بخش به‌اجرا بگذارد (جمشیدی‌راد و محمودپناهی، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

در ایران معاصر تعریف رابطه اسلام سیاسی و قدرت موجب اشکال مفهوم جدید اسلام سیاسی در تلفیق با لیبرالیسم، سوسیالیسم، و فقه شیعی شده است.

اسلام سیاسی لیبرال: این جریان با تأکید بر دموکراسی و آزادی و با تفسیری لیبرال از متون شیعی به‌دنبال یاری‌گرفتن از مذهب در رویارویی با استبداد کهن ایرانی و ایجاد حکومتی دموکراتیک مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است. مهدی‌بزرگان مهم‌ترین نظریه‌پرداز اسلام سیاسی لیبرال محسوب می‌شود. دغدغه اصلی او نشان‌دادن

سازگاری علم با دین و ارزش‌های دینی با زندگی مدرن و نیاز انسان امروزی به دین بود. در عرصه سیاست نیز او با پذیرش دستاوردهای سیاسی غرب می‌کوشید تفسیری لیبرال دموکراتیک از اسلام ارائه دهد (همان: ۱۳). بازرگان که از دهه ۲۰ به بعد در فضای فکری و روشن‌فکری ایران شناخته می‌شود متولی آغاز موجی در فضای فکری و روشن‌فکری ایران است که هویت اسلامی را به‌منزله وجه روشن‌فکرانه برگزیده است. به این معنا می‌توان بازرگان را سرآغاز روایت نوگرایانه از هویت دینی به‌شمار آورد (غلام‌رضا کاشی و صادقی، ۱۳۹۱: ۵۷).

اسلام سیاسی چپ: این جریان درصدد ترکیب اسلام با سوسیالیسم برآمد. علی‌شریعتی نظریه‌پرداز مطرح اسلام سیاسی چپ بود که تلاش کرد تا با بازسازی مفاهیم دینی تصویری نوین و جذاب از اسلام ارائه دهد و در این زمینه از اکثر مفاهیم دینی مانند انقلاب، تقیه، جهاد، امت، امامت، شهادت، انتظار، و ... مفهومی سیاسی و کارآمد برای زمان خود ارائه کرد. وی از طریق بازسازی سیاسی مفاهیم گفتمان سنتی شیعه به سیاسی شدن آن یاری رساند و سپس با قرائتی چپ‌گرایانه و سوسیالیستی آن را در جهت رادیکالیسم تقویت کرد (جمشیدی‌راد و محمودپناهی، ۱۳۹۱). شریعتی تدوین‌کننده ایدئولوژی بسیج‌کننده انقلابی براساس بازگشت به مبادی «اسلام راستین» بود. به این معنا می‌توان وی را نماد سیاسی شدن هویت دینی و برون‌رفت از روایت انفعالی از اسلام سیاسی دانست (غلام‌رضا کاشی و صادقی، ۱۳۹۱: ۵۷).

اسلام سیاسی فقه‌تی: اسلام سیاسی فقه‌تی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی است و بر ولایت فقیه، فقه، و روحانیت در جایگاه مفسران اصلی شریعت تأکید می‌کند. در اسلام سیاسی فقه‌تی علم فقه به‌علت نقشی که در شناخت قانون‌های دینی دارد و هم‌چنین فقها در جایگاه کارشناسان معتبر دینی مقام بلندی دارند. روحانیون در این گفتمان تنها مفسران شریعت به‌شمار می‌آیند و اسلام منهای روحانیت اسلامی بی‌محتوا و انحرافی تلقی می‌شود (جمشیدی‌راد و محمودپناهی، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

اشکال سه‌گانه اسلام سیاسی در ایران توان بالقوه و بالفعل در ایجاد و اعتلای گفتمان بین‌تمدنی ایران - ترکیه را دارند و علاوه‌بر آن سرشار از تجربه سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی اند. در صورت تخفیف یا فقدان موانع و ایجاد زمینه برای نخبگان فرهنگی در فضای گفتمان بین‌تمدنی به‌ویژه بین ایران و ترکیه، پرتوهای نوینی را در حوزه اندیشه‌ورزی ساطع خواهند کرد که جهان اسلام را مجذوب و متحیر خواهد کرد.

۴. چالش‌های فراروی ایران - ترکیه در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی

چالش‌های فراروی ایران - ترکیه در دو سطح چالش‌های منطقه‌ای و هم‌چنین چالش‌های بین‌المللی و فرامنطقه‌ای قابل‌مشاهده و قابل‌تقسیم است. پارامترهای موضوعی در چالش‌های منطقه‌ای عمدتاً موارد مهم ذیل است: سطح روابط عربستان سعودی - ترکیه به‌مثابه یک ائتلاف موقت یا یک همکاری استراتژیک، موضوع ایران و اهل‌طریقت و علوی‌های ترکیه، موضع ایران و ترکیه در قبال اقلیت‌ها به‌ویژه کردها، و چالش فرهنگی و اعتقادی در روابط بین آن‌ها، اما پارامترهای موضوعی در چالش بین‌المللی و فرامنطقه‌ای عمدتاً موارد مهم ذیل‌اند: عضویت ترکیه در ناتو، هم‌پیمانی با غرب و روابط نزدیک با اسرائیل، هم‌چنین میزان سطح اقبال یا ادبار به سیاست خارجی روسیه فدرال در قفقاز و آسیای میانه، و نیز موضوع قره‌باغ (بحران آذربایجان - ارمنستان).

۱.۴ چالش‌های منطقه‌ای

۱.۱.۴ ترکیه - عربستان سعودی؛ ائتلاف شکننده یا همکاری استراتژیک

ترکیه و عربستان سعودی، با تولید ناخالص داخلی قریب به ۴/۱ تریلیون دلار و حجم صادرات بیش از ۵۴۰ میلیارد دلار و جمعیتی معادل ۱۰۵ میلیون نفر، نقش قابل‌توجهی در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام دارند. عربستان به‌علت داشتن منابع عظیم نفتی و درآمدهای حاصله از آن و هم‌چنین وجود کعبه مکرمه موقعیت مذهبی و نفوذ ویژه‌ای در بسیاری از حکام و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس دارد و هم‌چنین به‌علت برخورداری از حوزه نفوذ اقتصاد بین‌المللی و توانایی در سرمایه‌گذاری اقتصادی اهمیت بالایی دارد. ترکیه نیز برای عربستان به‌علت موقعیت راه‌بردی و سرزمینی و هم‌چنین موقعیت خاص سیاسی و توانایی‌اش در تعامل با غرب و هم‌چنین سرمایه‌جمعیتی و انسانی اهمیت بالایی دارد، اما به‌نظر می‌آید مهم‌ترین عامل در نزدیکی دو کشور بیش از آن‌که جنبه استراتژیک داشته باشد مبتنی بر این حقیقت سیاسی است که ائتلاف ترکیه - عربستان از حد یک ائتلاف شکننده فراتر نخواهد رفت و دو علت عمده این ائتلاف را معنی‌دار می‌کند: درانزوا قراردادن ایران و کسب نقش بالاتر و برتر در تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه. ایران با گذار از پیچ‌تند مذاکرات هسته‌ای توانسته است در موقعیت جدیدی که می‌تواند در مسیر و میدان رقابت اثرگذارتر باشد برای کسب نتیجه مبارزه کند. فرایند برجام بین ایران و غرب و تعامل ایران، در جایگاه یک قدرت منطقه‌ای، با قدرت‌های بزرگ جهان پایه اصلی

نگرانی‌های اعراب و ترکیه را تشکیل داده و انگیزه ابتدایی نزدیکی تاکتیکی و ائتلاف شکننده عربستان - ترکیه را رقم زده است.

۲.۱.۴ ایران و اقلیت‌های کرد

قیام کردها در ترکیه سابقه‌ای طولانی دارد، اما هرگز از یک جنبش فراتر نبوده است. قیام ملامصطفی بارزانی در سال‌های پیش از انقلاب (اسلامی ایران) ناسیونالیسم کردی را تقویت کرد. جنبش‌های کردی ۱۹۷۰ اغلب متأثر از عقاید مارکسیستی بودند و از شیوه‌های غیرمذهبی و گاه ضد مذهبی در فعالیت‌های خود بهره می‌بردند. در دهه ۱۹۸۰ استان حکاری، که در جنوب شرقی ترکیه واقع شده است، یکی از مراکز عمده چریک‌های ملی‌گرای کرد و مبلغان ایرانی و مخصوصاً حزب‌الله اسلام بود (Yalcin-Heckman, 1991). این جنبش‌ها در دهه هشتاد به علت نزدیکی به انقلاب و کمک‌گرفتن از آن از برخی مواضع تند خود عقب‌نشینی کردند. افزون‌بر این ناسیونالیست‌های کرد دریافتند که احساسات ملی‌گرایانه را فقط می‌توانند در میان کردهایی بسیج کنند که کم‌تر از سوی ارمنی‌ها تهدید می‌شوند. یکی از این گروه‌ها علوی‌ها بودند که مثل کردهای سنی از ارمنی‌ها نمی‌ترسیدند (McDowall, 1992: 184). بدین ترتیب گروهی از علوی‌های کرد هم تحت تأثیر این جنبش‌ها به صف هواداران انقلاب پیوستند. پراکندگی جمعیتی اقوام کرد و تعدد جغرافیایی زیستی آنان هیچ‌گاه مانع از تقاضای واحد و هدف مشترک آنان در دست‌یابی به کردستان واحد نشد.

۳.۱.۴ ایران و اهل طریقت در ترکیه

دو طریقت بزرگ میان سنی‌های ترکیه وجود دارد: نقشبندیه و پیروان نورجی. نقشبندیه طریقت بزرگی است که در ایران، عراق، و کشورهای آسیای میانه پیروان زیادی دارد. جمعیت عظیم این طریقت نقش آن را در صحنه سیاسی ترکیه انکارناپذیر کرده است. اغلب رهبران طراز اول احزاب ملی‌گرا و اسلام‌گرای ترکیه با این طریقت روابط شخصی دارند و علاوه بر اربکان اوزال هم با آن‌ها در ارتباط بود (انصاری، ۱۳۷۳: ۱۳۴-۱۳۵). طریقت شیعیان یا علویان ترکیه نیز، متشکل از دو گروه عمده بکتاشی و قزلباش، جمعیت زیادی را تشکیل می‌دهند. تعداد بسیار اندکی از آن‌ها موضع متعادلی در برابر ایران دارند و اغلب آنان با ایرانیان و اعراب مخالف‌اند چون آن‌ها را عامل بالقوه تجزیه ترکیه می‌دانند (همان: ۱۴۰).

۴.۱.۴ چالش‌های فکری - اعتقادی در روابط ایران و ترکیه

پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران، مناسبات ترکیه و ایران وارد مرحله جدیدی شد. گاه تباین جهان‌بینی دو کشور روابط آن‌ها را دست‌خوش دشواری‌هایی می‌کرد. برای نمونه، ترکیه و ایران آرای متفاوتی از اسلام و جهان‌بینی دینی دارند، در عین حال، اشتراکات دو کشور همسایه کم به‌نظر نمی‌رسد؛ وجود گروه‌های کرد و شیعی و نیز پیروان طریقت‌های گوناگون در هر دو کشور، که میراث‌داران اسلام و فرهنگ اسلامی‌اند، تأثیر سرنوشت‌ساز در هر دو کشور دارند. هر دو کشور از تنش‌های درازمدت تاریخی بین خودشان درس عبرت مشترک آموخته‌اند و راه نوینی را برای توسعه و پیشرفت ملی و منطقه‌ای و پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی برمی‌دارند. ترکیه در سیاست خارجی خود همواره سه اصل را مدنظر داشته است: ۱. حفظ تمامیت ارضی و وحدت ترکیه، ۲. جلوگیری از هر نوع دخالت کشورهای منطقه در نظم داخلی و سکولار ترکیه، و ۳. گسترش یک اقتصاد مبتنی بر بازار (Kirsci, 1993: 37). می‌توان گفت دو کشور میزان چالش‌ها و فرصت‌ها را از جانب یک‌دیگر تا حدود زیادی شناخته‌اند و حال می‌توانند در چهارچوب ثباتی نسبی به ارتباط کم‌نوسان‌تری با یک‌دیگر بپردازند. آنان توان اعتقادی یک تمدن نوین را دارند.

۲.۴ چالش‌های بین‌المللی و فرامنطقه‌ای

۱.۲.۴ عضویت در ناتو و هم‌پیمانی با غرب و نزدیکی روابط با اسرائیل

در پی به‌رسمیت‌شناختن اسرائیل از سوی ترکیه در سال ۱۹۴۹ و گسترش ابعاد همکاری با امریکا و اسرائیل در سال‌های بعد و تشدید روابط با آن‌ها در سال‌های اخیر، موجی از نگرانی و تنش‌های امنیتی کشور همسایه و غیرعرب ایران را فراگرفت. ایجاد پایگاه نظامی امریکا و استقرار سامانه‌های موشکی این کشور در نزدیکی ایران، توصیه امریکا به ترکیه در برقراری روابط گسترده‌تر خصوصاً در ابعاد نظامی با اسرائیل، و نیز برگزاری مانورهای مشترک نظامی با این کشور بر این نگرانی و واگرایی افزوده است.

همکاری نظامی ترکیه با اسرائیل، به‌همراه روابط ایران با سوریه، این نظریه را بیش‌ازپیش تقویت کرده است که: در منطقه دو اتحاد وجود دارد که درنهایت رودرروی هم قرار خواهند گرفت. جمهوری اسلامی ایران از حُسن تفاهم و روابط حسنه بین آنکارا و اورشلیم نفرت داشت، به‌ویژه با توجه به خصومت آشتی‌ناپذیر این کشور با اسرائیل و با توجه به نوع روابطش با سوریه، مقامات ایرانی به‌شدت و با دقت فراوان توسعه روابط

اسرائیل و ترکیه را از پس از امضای بیانیه اصول اساسی بین فلسطین و اسرائیل در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ زیر نظر دارند. در فوریه ۱۹۹۶، ترکیه توافق‌نامه‌ای نظامی با اسرائیل امضا کرد و پس از آن یک معاهده تجارت آزاد نیز امضا شد. این امر بر ایران گران آمد و در نهایت ترکیه متعهد شد که اسرائیل برای حمله به ایران نمی‌تواند به حریم هوایی ترکیه و پایگاه‌های هوایی آن دسترسی داشته باشد (Dialogue, 2000: March).

اتحاد امریکا - ترکیه و اسرائیل در منطقه خاورمیانه و فعالیت مشترک آنان در اوراسیا موجب کنترل و تأثیرگذاری هم‌زمان آنان در ایران و روسیه شده است. از این رو استنباط می‌شود اتحاد روسیه - ایران و یونان پاسخی به اتحاد سه‌گانه پیش‌گفته بوده باشد. هم‌چنین اتحاد امریکا - ترکیه و اروپا می‌تواند به‌مثابه اهرم فشاری بر سیاست‌های گسترش طلبانه و سدی در برابر نفوذ ایران در خاورمیانه باشد. ترکیه به علل: حمایت اسرائیل از ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا از طریق اعمال فشار (روشندل، ۱۳۸۳: ۱۲۳)، جلب حمایت لابی‌های یهودی در امریکا به منظور ارسال کمک به ترکیه از طرف امریکایی‌ها (اوغلو، ۱۳۸۱: ۶۰)، و اهداف مشترک سیاسی و نظامی و اقتصادی با این دو کشور روابطی نزدیک و حسنه دارد. دو کشور اسرائیل و ترکیه نظامی سکولار (غیرمذهبی) و نگاهی به غرب و هم‌پیمان با امریکا دارند (ملکی، ۱۳۷۷: ۲). رابطه ترکیه با اسرائیل، که یکی از دشمنان اصلی جهان اسلام محسوب می‌شود، مسلماً برای ایران تهدیدکننده به حساب می‌آید، چراکه همواره اسرائیل بزرگ‌ترین تهدید امنیت مادی (از جمله تمامیت ارضی و نظام حکومتی) و امنیت هستی‌شناختی (ایدئولوژی و هویت اسلامی) کنش‌گران ایرانی است و هرگونه همکاری کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی با این کشور از طرف جمهوری اسلامی ایران مورد اعتراض است. همکاری و هم‌پیمانی استراتژیک ترکیه و اسرائیل، علاوه بر مسائل گفته‌شده، به علت تلاش در کنترل، نظارت، و همکاری دو کشور علیه دوستان منطقه‌ای ایران از جمله لبنان، فلسطین، و سوریه یکی دیگر از منابع مهم و فعال تنش بین ایران و ترکیه به‌شمار می‌رود (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۶۴).

ترکیه در سال ۱۹۵۲ با یاری امریکا به عضویت ناتو پذیرفته شد. مقامات این کشور همواره سعی در تقویت عضویت خود در ناتو داشته‌اند و در قالب این پیمان، همیشه طرف‌دار مواضع امریکا و اروپا در شاخه جنوب‌شرقی ناتو بوده‌اند. این مسئله در جنگ خلیج فارس به وضوح آشکار شد (احدی و تنهایی، ۱۳۹۳: ۹).

قرارداد استقرار رادار سامانه دفاع موشکی ناتو در ترکیه، با وجود برخی اعتراضات و انتقادات داخلی و خارجی در ۲۰۱۱، به امضای سفیر امریکا در آنکارا و قائم‌مقام وزیر خارجه

ترکیه رسید. محل استقرار این رادار در نزدیکی مالاتیا پیش‌بینی شده است که با نزدیک‌ترین نقطه مرزی ایران حدود ۶۰۰ کیلومتر هوایی فاصله دارد. با توجه به برد ۴۷۰۰ کیلومتری این رادار، بیش از ۸۰ درصد فضای ایران به استثنای مناطق جنوب شرق ایران تحت پوشش آن قرار خواهد گرفت. نقطه محل استقرار در موقعیتی است که امکان ارتباط آن با سامانه‌های موشکی در دریای مدیترانه نیز به آسانی مقدور خواهد شد (همان: ۱۰).

به نظر می‌رسد تالی اقدامات ترکیه و روابط آن با آمریکا و اسرائیل نه تنها به روابط عادی دو کشور ایران و ترکیه لطمه می‌زند، بلکه هم‌چنین این استنباط را فراروی ایران می‌گشاید که این تقابل استراتژیک حکایت از یک واگرایی عقیدتی و تمایز در رویکرد دینی دارد. به عبارت دیگر، ترکیه در تدوین راه‌برد سیاست خارجی خود به منظور کسب منافع ملی و افزایش قدرت خود در منطقه و پیشی گرفتن از رقبا بر اصول کمالیسم اصرار دارد.

۲.۲.۴ اقبال و ادبار به سیاست خارجی روسیه فدرال، رقابت در قفقاز و آسیای مرکزی، و بحران قره‌باغ

یگانه جایی که ایران و ترکیه عملاً در تضاد با یک‌دیگر قرار گرفته‌اند جمهوری آذربایجان است؛ گرچه ترکیه و جمهوری آذربایجان مرز مشترکی با هم ندارند، ولی نزدیکی جغرافیایی و مشابهت زبان آن‌ها به هم‌راه دشمنی تاریخی میان ترکیه و جمهوری ارمنستان از یک‌سو و خصومت جاری میان جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان از دیگر سو به ایجاد نوعی هم‌نوبی و هم‌بستگی کاذب میان ترکیه و آذربایجان منجر شد، اما این وضع چندان نپایید (پهلوان و طیب، ۱۳۷۷: ۸).

به نظر می‌رسد غافل‌گیری ایران در اتخاذ راه‌برد شفاف و کارآمد در آسیای مرکزی و قفقاز بعد از فروپاشی شوروی و تبلیغات مبالغه‌آمیز غرب از گسترش بنیادگرایی مذهبی ایران در سراسر منطقه موجب شد که رقبای منطقه‌ای ایران، مانند عربستان و ترکیه، به نقش‌آفرینی پررنگی در این عرصه مبادرت ورزند. آن‌چنان که فعالیت، نفوذ، و حضور آنان پای قدرت‌های بزرگ را به منظور بهره‌برداری‌های اقتصادی، سیاسی، و نظامی و نیز محدود و منزوی کردن ایران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز گشود. تأسیس پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در آذربایجان و قزاقستان، به قصد بمباران مناطق و مکان‌های تروریستی و تشکیلات آنان، امکان نظارت و کنترل ایران و روسیه را هم‌زمان فراهم می‌آورد.

موقعیت جغرافیایی جمهوری ارمنستان و ایران مانعی فیزیکی بر سر راه ورود ترکیه به قفقاز و آسیای مرکزی است. از این رو، ترکیه به روابط حسن هم‌جواری با ایران بیش از هر

کشور دیگر منطقه نیاز دارد. در همین حال، همه این رویدادها نشان از وجود منافع متضاد دیگری هم دارد. هم ترکیه و هم ایران برای آن که بتوانند نقشی در منطقه بازی کنند باید در پی تشکیل اتحادهای گوناگون با دیگر بازیگران و طرف‌های منطقه‌ای باشند (همان: ۱۰). به علل گوناگون می‌توان گفت که ترکیه اهداف بلندپروازانه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز دارد که می‌تواند حوزه نفوذ ایران تلقی شود. توان‌مندی‌های نظامی - تسلیحاتی و نیز قدرت اقتصادی این کشور در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه قابل توجه است و می‌تواند تهدیدکننده امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران باشد. علل متعدد دیگری را نیز می‌توان برشمرد که سیاست خارجی و به‌ویژه امنیتی ترکیه ممکن است در آینده چالش‌های مهم دیگری را پیش روی سیاست خارجی ایران قرار دهد.

۵. نتیجه‌گیری

ایران با گذار از پیچ تند مذاکرات هسته‌ای توانسته است در موقعیت جدیدی که می‌تواند در مسیر و میدان رقابت اثرگذارتر باشد برای کسب نتیجه مبارزه کند. فرایند برجام بین ایران و غرب و تعامل ایران، در جایگاه یک قدرت منطقه‌ای، با قدرت‌های بزرگ جهان پایه اصلی نگرانی‌های اعراب و ترکیه را تشکیل داده و انگیزه ابتدایی نزدیکی شکلی و تاکتیکی و ائتلاف شکننده عربستان - ترکیه را رقم زده است. نخبگان سیاسی و باهوش ترکیه به فراست از توان‌مندی‌های ویژه ایران غافل نیستند: تجربه جنگ هشت‌ساله، توان بالای نظامی و موشکی، نفوذ بلامنازع جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، موشک‌های دوربرد و نقطه‌زن: از نسل جدید تا اس. ۳۰۰، نقش‌آفرینی ویژه در سوریه و لبنان و عراق و یمن، تقابل مؤثر و تعیین‌کننده با داعش و تصرف موصل، و تعامل نزدیک با روسیه و ارمنستان و عمان، و البته بی‌علاقگی و ناخرسندی ایران در نزدیکی آنکارا از ریاض.

اما علت اساسی این مورد اخیر چیست؟ به نظر می‌آید پاسخ ابتدایی آن اختلافات اخیر ایران با عربستان باشد. اگر به دید دولت - ملت به همه امور سیاسی بنگریم، این جواب قسمت زیادی از سطح تحلیل را پوشش می‌دهد، اما فرضیه اساسی این مقاله موضوعی فراتر را بیان می‌دارد؛ چه آن که از دیدگاه روشن‌فکران و اندیشمندان ایران و ترکیه آنچه در این ره‌آورد دیده نمی‌شود ایفای نقش تاریخی - فرهنگی دو کشور ایران - ترکیه است. این دو کشور به علت ثروت عظیم فرهنگی این توان‌مندی را داشته‌اند و دارند که به صحرای تشنه ملل مسلمان جلوه‌های نوین و تازه‌ای از تمدن اسلامی را عرضه کند. پویا ساز تمدن‌ساز

نوین در گفت‌وگوی بین‌فرهنگی ایران - ترکیه توان‌مندی این مهم را دارد که هم‌الگویی تازه بین دو ملت نوسازی کند و هم‌الگوی نوین برای جهان اسلام را احیا کند. این اقدام تاریخی و فرهنگی نیازمند دو چیز است: اراده‌نخبگان اجتماعی و سیاسی دو کشور و مدیریت و رفع چالش‌های فراروی ایران و ترکیه در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی. این نوشتار در جواب فرضیه خود اساسی‌ترین چالش‌های فراروی منطقه‌ای ایران - ترکیه را احتمال ائتلاف استراتژیک و درواقع تاکتیکی عربستان - ترکیه و اساسی‌ترین چالش بین‌المللی و فرمانطقه‌ای را میزان و سطح هم‌پیمانی با غرب و عضویت در ناتو و نیز اقبال و ادبار به سیاست خارجی روسیه فدرال بیان و تحلیل کرده است. دریغاً، اگر این فرصت تاریخی از دست نخبگان سیاسی و اجتماعی دو کشور غنی فرهنگی و تمدن‌ساز، به انگیزه نیل به حداکثر استفاده اقتصادی و مالی، هدر رود و دلار از فرهنگ و تمدن سبقت گیرد.

کتاب‌نامه

- احدی، محمد و علیرضا تنهایی (۱۳۹۳). «تأثیر استقرار سامانه موشکی ناتو در ترکیه، بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی «امنیت‌پژوهی»، س ۱۳، ش ۴۶، تابستان.
- اسکندری، مجید (۱۳۸۹). «پی‌آمدهای روابط ترکیه و غرب بر جمهوری اسلامی ایران»، ماه‌نامه چشم‌انداز ایران، ش ۱۳۴، تیر و مرداد.
- امام‌جمعه‌زاده، جواد و همکاران (۱۳۸۹). «چرخش گفتمانی در راه‌بردهای اسلام‌گرایان ترکیه و علل آن»، فصل‌نامه آفاق امنیت، ش ۶، بهار.
- انصاری، جواد (۱۳۷۳). ترکیه در جست‌وجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- انصاری، منصور (۱۳۸۵). «اسلام سیاسی: زمینه‌ها و پیشگامان»، پژوهش‌نامه متین، ش ۳۴ و ۳۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- پهلوان، چنگیز و علی‌رضا طیب (۱۳۷۷). «مناسبات ایران و ترکیه»، ماه‌نامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۳۳ و ۱۳۴، مهر و آبان.
- جمشیدی‌راد، محمدصادق و سید محمدرضا محمودپناهی (۱۳۹۱). «مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۱، ش ۴.
- حنفی، حسن (۱۳۷۶). «اسلام سیاسی»، ترجمه محمدحسن معصومی، فصل‌نامه حکومت اسلامی، س ۲، ش ۳.
- حیدرزاده نائینی، محمدرضا (۱۳۸۰). تعامل دین و دولت در ترکیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- روا، الیویه (۱۳۷۸). تجربه اسلام سیاسی، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی و حسین مطیعی امین، تهران: بین‌الهدی.

- روشندل، جلیل (۱۳۸۳). «پیمان امنیتی - نظامی ترکیه و اسرائیل: محتوا و پی آمدها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۱۰.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۹). *خاطرات شفاهی دکتر محمدامین ریاحی، وابسته فرهنگی وقت ایران در ترکیه، تهران*.
- شاو، استنفورد جی. و ازل کورل شاو (۱۳۷۰). *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید (۱۹۷۵-۱۸۰۸)*، ترجمه محمود رمضانزاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- عابدی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). «پاره تو و اندیشه نخبه گرایی»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۲۶۹ و ۲۷۰.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد و الهه صادقی (۱۳۹۱). «قرآن و هویت متکی بر اسلام سیاسی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۷، ش ۳.
- قهرمان پور، رحمان (۱۳۷۹). «تأثیر انقلاب اسلامی بر ترکیه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، س ۷، ش ۴، زمستان.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۸۰). *ایران و همسایگانش*، تهران: نشر جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- کوزر، لوئیس (۱۳۶۸). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سخن.
- ماهنامه کیان (۱۳۷۵). س ۶، ش ۳۰، اردیبهشت و خرداد.
- محمدحسین زاده، عبدالرضا و ناصر محسنی نیا (۱۳۸۷). «اسلام گرایی ایرانیان: زمینه ها و عوامل»، *مطالعات ایرانی*، ش ۱۴.
- ملکی، محمدرضا (۱۳۷۷). «روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۷، دوره سوم، ش ۲۴.
- موسکا، گائتانو و گاستون بوتو (۱۳۶۳). *تاریخ عقاید و مکتب های سیاسی از عهد باستان تا امروز*، ترجمه حسین شهیدزاده، تهران: مروارید.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴). *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران: امیرکبیر.

- Akdogan, Y. (2003). 'Değişimin ve Dönüşümün Teorik Zemini', *Bilgi ve Düşünce*, Vol. 1, No. 4.
- Cinar, M. and A. Kadioglu (1999). 'An Islamic Critics of Difference Backwards', *Orient*, No. 4022.
- Cizre-Sakallioğlu, U. (1997). 'The Anatomy of the Turkish Military's Political Autonomy', *Comparative Politics*, 29 (2).
- Davidson, A. (2003). 'Turkey, A Secular State?', *Challenge of Description, South Atlantic Quarterly*, No. 102.
- Gole, N. (1995). 'Authoritarian Secularism and Islamism Politics the Case of Turkey', A.R. Norton (ed.), *Civil Society in the Middle East*, Leiden: E.J. Brill.
- Gunes-Ayata, A. (1991). 'Pluralism Versus Authoritarianism', *Islam in Modern Turkey*, London and New York: I.B. Tauris.

- Kirisci, K. (1993). 'The End of The Cold War and Changes in Turkish Foreign Policy Behavior', *Foreign Policy* (Ankara), Vol. 17.
- Lapidot, A. (1997). 'Islamic Activism in Turkey Since the 1980 Military Takcover', in *Religious Radicalism in the Greater Middle East*, London: Frank Cass.
- Mardin, S. (2005). 'Turkish Islamic Exceptionalism Yesterday and Today: Continuity Rupture and Reconstruction in Operational Code', *Turkish Studies*, 6(2).
- McDowall, D. (1992). *The Kurds: A Nation Denied*, London: Minority Rights Group.
- Schelteme, M. (2004). *The European Union, Turkey, and Islam*, Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Sunar, I. and B. Toprak (1983). 'Islam in Politic: The Case of Turkey', *Government and Opposition*, Vol. 18.
- Turkish Daily Zaman* (2007). 'New Turkish Constitution in The Making', 5 Spt.
- Turner, B. (1994). *Orientalism, Globalism & Post Modernism*, London: Routledge.
- Wickham, C.R. (2004). 'The Path to Moderation: Strategy and Learning in the Formation Egypt's Wasat Party', *Comparative Politics*, 36(2).
- Yalcin-Heckmann, Lale (1991). 'Ethnic Islam and Nationalism among the Kurds in Turkey', in Richard L. Tapper (ed.), *Islam in Modern Turkey*, London and New York: I. B. Tauris.
- Yavus, M. H. (2000). 'Cleansing Islam the Sphere', *Journal of International Affairs*.
- Yavus, M. H. (2003). *Islamic Political Identity in Turkey*, Oxford: Oxford University Press.
- Yeni, Safak (2010). 'Iste Anayasa Digisiklik Paketinin Ayrıntilart', 17 March.
- Zubaida, S. (2004). 'Islam and Nationalism and Contrudictions', *Nations and Nationalism*, Vol. 10, No. 4.